

جنگ تروریستها و اپوزیسیون راست

گفتگوی تلویزیون پرتو با سیاوش دانشور

۱۳ آذر، ۱۶ آذر

تجربه فراموش نشدنی داب

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

اعتصاب کارگران بهمن موتور

هو کردن مدیران توسط کارگران

صفحه ۷

جمال کمانگر

پیامدهای کشتن محسن فخریزاده معاون وزارت دفاع رژیم

پ ک ک، "سرباز دلسوز" در خدمت بقای رژیم اسلامی ایران

صفحه ۸

عبداله دارابی

جمهوری اسلامی اتمی

بن بست فرجام، حکومت نظامی در جامعه

صفحه ۱۰

نادر شریفی

ترور محسن فخری زاده و واکنشها

صفحه ۱۳

سعید یگانه

دولت موظف به تامین نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی

کلیه ساکنین ایران است!

۵۷۲

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۴ آذر ۱۳۹۹ - ۴ دسامبر ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست در باره ۱۶ آذر

"فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم!"

معیشت، سلامت، حق همگان است!

سال گذشته در مناسبت روز دانشجو، علیرغم فضای شدید امنیتی و دستگیری‌های گسترده دانشجویان قبل از ۱۶ آذر، دانشجویان آزادیخواه در دانشگاه‌های تهران، امیرکبیر، پلی تکنیک، علامه طباطبائی، تربیت مدرس، هنر تهران، چمران اهواز، گلستان، دانشگاه مازندران، نوشیروانی بابل و علوم پزشکی تبریز، در دفاع از آبان خونین و علیه سرکوب و کشتار، فقر و تبعیض، فساد و اختلاس، تبعیض جنسی و حجاب اسلامی، اجتماع و راهپیمایی برگزار کردند. دانشجویان در شعارهایشان خشم یک جامعه از آبانماه خونین را منعکس کردند و با صدائی رسا خواهان آزادی دستگیر شدگان آبان و کلیه زندانیان سیاسی شدند.

سال گذشته دانشگاه‌ها شدید امنیتی و نظامی بود، امسال دانشگاه‌ها بدلیل پاندمی کرونا تعطیل است. جامعه و طبقات و جنبشهای اجتماعی در سال گذشته قطبی تر شدند، سرمایه داران و حکومتی‌ها فربه تر و مشقات و تلفات مردم کارگر و زحمتکش از فقر و بیکاری و بیماری چند برابر شد. مسئله تامین معیشت و سلامت، آنهم در جامعه ای که آموزش و درمان و بهداشت کالائی شده و تعداد زیادی از آن محرومند، به

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اعلامیه حزب حکمتیست در باره ۱۶ آذر

"فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم!"**معیشت، سلامت، حق همگان است! ...**

صدر خواستهای محوری رانده شده است. ما هنوز باید بر آزادی دانشجویان زندانی و زندانیان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و آزادی کلیه زندانیان سیاسی پای ب فشاریم! ما هنوز باید از اتحاد کارگر و دانشجو، از اعلام تعهد فرزندان کارگران به ماندن در کنارشان حرف بزنیم! ما که بر زنده بودن دینامیزم آبان واقفیم و وحشت از همین پادگانی کردن محلات و خیابانها و دانشگاهها و کارخانه ها را برای حکومت الزامی کرده است؛ هنوز باید فریاد زنیم: "سفره هامون غارت شد، آبان ماه خونین شد"، "آبان ادامه دارد، حتی اگر روز و شب بر ما گلوله بارد"، "از تهران تا بغداد، فقر ستم استبداد"، "مرگ، کشتار، گرانی، مردم شدن قربانی"، "از هفت تپه تا تهران، زحمتکشان در زندان"، "نه پادگان نه بنگاه، درود بر دانشگاه"، "فرزند کارگرانیم، کنارشان می مانیم!"

۱۶ آذر سال گذشته در عین حال و در حاشیه صحنه صف آرای نیروهای چپ و سوسیالیست در تقابل با جریانات مرتجع راست نیز بود. شعارهایی مانند: "مجاهد، پهلوی، دو دشمن آزادی"، "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد"، "نه شاه میخوایم نه مزدور، بسه دیگه حرف زور"، "نه شاه میخوایم نه رهبر، مرگ بر ستمگر"، بیانگر هشیاری سیاسی دانشجویان و استقلال سیاسی شان از نیروهای ارتجاعی بود. طی یکسال گذشته نیروهای اپوزیسیون بورژوائی بیش از پیش ماهیت ارتجاعی خود را بنمایش گذاشتند، عمدتاً یا در صف هواداری از ترامپ یا در صف مذاکره با جمهوری اسلامی ایستادند. اما دانشگاه و دانشجویانی که با مردم بیخاسته عراق، لبنان، فرانسه و شیلی اعلام همبستگی میکنند، نیز محکم تر از هر زمان در کنار طبقه کارگر و علیه سیاستهای ضد جامعه و ارتجاعی اپوزیسیون راست ایران خواهند ایستاد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مناسبت شانزده آذر را به دانشجویان انقلابی تبریک می گوید. در اینروزها که دانشگاهها تعطیل است، میتوانیم با ابتکارات مختلف و استفاده از سوشیال میدیا مناسبت روز دانشجو را گرامی بداریم. دانشجویان انقلابی میتوانند از تریبون شانزده آذر مهمترین خواستهای محوری جامعه را در شرایط کنونی از جمله تامین معیشت و سلامت بعنوان حقوق غیر قابل انکار همگان اعلام کنند. ما دوباره برمیگردیم، با پرچمهای سرخ، با مشتهای گره کرده، با شوراها، با اعتصاب و تظاهرات. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی هدف همه ماست.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ آذر ۱۳۹۸ - ۱ دسامبر ۲۰۲۰

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مناسبت شانزده آذر را به دانشجویان انقلابی تبریک می گوید. در اینروزها که دانشگاهها تعطیل است، میتوانیم با ابتکارات مختلف و استفاده از سوشیال میدیا مناسبت روز دانشجو را گرامی بداریم. دانشجویان انقلابی میتوانند از تریبون شانزده آذر مهمترین خواستهای محوری جامعه را در شرایط کنونی از جمله تامین معیشت و سلامت بعنوان حقوق غیر قابل انکار همگان اعلام کنند. ما دوباره برمیگردیم، با پرچمهای سرخ، با مشتهای گره کرده، با شوراها، با اعتصاب و تظاهرات. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برپائی یک جامعه آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی هدف همه ماست.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

ما هنوز باید بر آزادی دانشجویان زندانی و زندانیان دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و آزادی کلیه زندانیان سیاسی پای ب فشاریم، ما هنوز باید از اتحاد کارگر و دانشجو، از اعلام تعهد فرزندان کارگران به ماندن در کنارشان حرف بزنیم، اما که بر زنده بودن دینامیزم آبان واقفیم و وحشت از همین پادگانی کردن محلات و خیابانها و دانشگاهها و کارخانه ها را برای حکومت الزامی کرده است، هنوز باید فریاد زنیم:

"سفره هامون غارت شد، آبان ماه خونین شد"،
"آبان ادامه دارد، حتی اگر روز و شب بر ما گلوله بارد"

روز دانشجو

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

ما پروژه گودیم

مرگ بر جمهوری اسلامی!

جنگ تروریستها و اپوزیسیون راست

گفتگوی تلویزیون پرتو با سیاوش دانشور

کریم نوری: نظر حزب کمونیست کارگری- کمونیست در باره کشتن محسن فخری زاده چیست؟

سیاوش دانشور: آنچه رخ داده است ادامه کشمکش قدیمی بین دولتهای تروریستی اسرائیل و جمهوری اسلامی است. تروریسم و مجازات جمعی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین قدیمی و شناخته شده است. جمهوری اسلامی هم معرف حضور همه هست که ترور و توحش را در ایران و منطقه به اوج رسانده است. این دولتهای ترویست منافع و سیاست خود را در منطقه دنبال می کنند. حذف فخری زاده بعنوان یکی از مقامات ارشد سپاه پاسداران و وزارت دفاع جمهوری اسلامی، لحظه ای و گوشه ای از یک کشمکش وسیعتر است که هر روز در سوریه و کشورهای منطقه بطرق مستقیم یا نیابتی در جریان است. این ادامه جنگ ارتجاعی بین دو دولت تروریستی است که کارگران و مردم آزادیخواه در ایران و اسرائیل و کشورهای منطقه نفعی در آن ندارند.

کریم نوری: چه کسی مسئول این حذف یا ترور است، دولت اسرائیل یا خود حکومت اسلامی؟

سیاوش دانشور: ما ابزار دقیقی برای دادن حکم قاطع نداریم. اما دلیل مجاب کننده ای که حکومت اسلامی یک عنصر مهم خود را آنهم به این شیوه در پایتخت حذف کند، وجود ندارد. لذا اذهان به سمت دولت اسرائیل میروند. اما نیروهای امنیتی اسرائیل بدون کمک و حمایت در داخل کشور نمی توانستند بسادگی این عملیات را انجام دهند. جواب واقعی این سوال اینست که هر دو. بدون حمایت و همکاری عناصر موثر امنیتی که از اطلاعات محسن فخری زاده بطور دقیق خبر داشتند، این عملیات با این سطح دقت و حرفه ای بودن ممکن بنظر نمی رسد.

کریم نوری: چرا حزب این واقعه را محکوم نکرد؟

سیاوش دانشور: ما یک حزب انقلابی سرنگونی طلب هستیم که در یک مناسبات خصمانه با رژیم اسلامی قرار داریم. ما از روز اول سر کار آمدن این حکومت به آن اعلان جنگ کردیم و در مقاطعی از جمله در کردستان وسیعا با آن درگیر جنگ نظامی بودیم. بعنوان حزب کمونیستی کارگری خود یک طرف کشمکش سیاسی جاری در ایران هستیم که معتقدیم کارگران و مردم آزادیخواه منطقه برای رسیدن به آزادی و خوشبختی باید این دولتهای تروریست و قدرتهای بورژوائی را سرنگون کنند. ما سازمان ملل نیستیم که خواهان "صلح" و "رفع تنش" بین دولتها و دشمنان متفرقه طبقاتی مان شویم. محکومیت حذف یا ترور یک عنصر جنایتکار توسط جنایتکاران دیگری برای ما موضوعیت ندارد. منافعی که جنبش طبقه کارگر و کمونیسم در ایران دارد در دو سوی جدال دولتهای تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی نمایندگی نمی شود. اگر این واقعه توسط یک جریان اپوزیسیون یا مردم منزجر از رژیم اسلامی صورت می گرفت چه بسا می گفتیم دست تان درد نکند.

کریم نوری: تاثیر این واقعه در درون حکومت چگونه است؟

سیاوش دانشور: بلافاصله شاهد یک نوع پانیک و وحشت میان حکومتی ها بودیم. سخنان شمخانی دبیر شورای امنیت ملی که میگوید "دوستان نترسید، هیچ خطر امنیتی متوجه سران نظام نیست" به اندازه کافی گویا است. شعارهای بی محتوا و تبلیغاتی سران سپاه و رسانه های حکومتی را کنار بگذارید، واقعیت اینست که این تئوری که در

بالاترین سطح نهادها و سازمانهای امنیتی حکومت اسلامی، اسرائیل نفوذ دارد، ذهنیت حاکم است. الان هر کسی به دیگری مشکوک است. این رویداد جنگ جناح ها را تشدید می کند. بسیار روشن است که از این واقعه در خدمت تسویه حسابهای درونی استفاده میکنند. در عین حال برای سران حکومت سخت است که علنا بپذیرند که اسرائیل در تهران و مرکز قدرت آنها یک عنصر مهم حکومتی را ترور کرده است. ناچارند بگویند "در داخل عده ای کمک کردند" و اسم مجاهدین بعنوان "همکار اسرائیل در این عملیات" در داخل کشور آورده شده است. باید منتظر بود مانند موارد قبلی، رژیم اسلامی تعدادی مخالف سیاسی را دستگیر و با شکنجه و سناریوهای مسخره آنها را وادار کند که بگویند "عوامل مוסاد در ترور فخری زاده" بودند. اما این نمایش ها جواب مشکل کنونی را نمی دهد و خودشان خوب میدانند که از جای دیگری خوردند.

کریم نوری: مردم ایران از این واقعه خوشحالند، تحلیل شما از این عکس العمل چیه؟

سیاوش دانشور: حق دارند خوشحال باشند. جامعه در این ماجرا ضعف جمهوری اسلامی را می بیند نه کشته شدن فخری زاده را. مردم دلشان پر است، دریائی از خون بین جامعه و این حکومت قرار دارد. در آبانماه فقط هزاران نفر از عزیزان ما را با شقاوت اسلامی کشتند و زخمی کردند. هنوز سرنوشت اسرای آخرین خیزش توده ای و انقلابی روشن نیست. واکنش اولیه و طبیعی مردمی که دل خونی از حکومت و سرانش دارند، ابراز خوشحالی از هر ضربه ای به حکومت و کشته شدن هر مقام آن توسط هر کسی است. اما این فقط واکنش اولیه است، کمی آنطرف تر، بخش فهیم تر جامعه، به این فکر می کنند که این واقعه چه تاثیری بر مبارزه و زندگی و روند اوضاع بطور کلی میگذارد، رژیم چه بهره برداری از آن می تواند صورت دهد و چگونه باید آنرا خنثی کرد. این ابراز خوشحالی اولیه قابل درک است اما کافی نیست و باید از آن فراتر رفت.

کریم نوری: اپوزیسیون راست اما در این زمینه سنگ تمام گذاشت. ارزیابی تان از برخورد نوع رضا پهلوی چیست؟

سیاوش دانشور: این نوع رویدادها بیشتر تناقضات جریانات راست و ماهیت ارتجاعی آنها را برملا میکند. رضا پهلوی از جمله گفته است: "ادامه راهی که رژیم در پیش گرفته هر روز ما را به سمت ناامنی، سختی و تحقیر بین المللی سوق می دهد!" ایشان به "عظمت ایران" و ظرفیت بسیج ناسیونالیستی فکر می کند، امری که حکومت وسیعا از آن استفاده می کند و در میان طیف مثلونی از ناسیونالیست ها و ملی اسلامی ها دیده میشود. رضا پهلوی فکر میکند این تمایل ناسیونالیستی به خودش تعلق دارد، لذا این روحیات مبتذل و عقب مانده و ارتجاعی را باد میزند و از "تحقیر بین المللی" ایران سخن میگوید. در عین حال هوادار نتانیاهو و ترامپ و سپاه پاسداران هم هست، نباید

سیاوش دانشور: "دولت صهیونیستی اسرائیل" ادبیات رژیم اسلامی و جنبش اسلامی در منطقه است که پایه های تحلیلی و نگرشی مذهبی خودشان را دارند و شعار "نابودی اسرائیل" را میدهند. جریان ما و سنت سیاسی کمیونسم کارگری بجای خود محفوظ، مدتهاست در میان چپ ایران کسی از این ترم استفاده نمی کند. شاید تنها استثنا حزب توفان بوده و در این واقعه خط رسمی هم به آن ملحق شد. طبیعی بود این نگرش ضد اسرائیلی و نه ضد دولت اسرائیل، مانند مورد توفان از "ترور دانشمند ایران" نام ببرد و "این اقدام تروریستی را قویاً محکوم کند". بزعم اینها فرمانده ارشد سپاه و وزارت دفاع جمهوری اسلامی هنوز "دانشمند کشور" است! در جدال تروریستی دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی باید معلوم باشد کجا ایستاده اند. خط رسمی حتی حاضر نشده به جمهوری اسلامی تروریست بگوید. اینها از سر ضد اسرائیلی- ضد آمریکائی غلیظ شان به این موضع ناسیونالیستی و مذهبی "دولت صهیونیستی اسرائیل" درغلندند تا شعار "دست تروریستها از آینده مردم ایران کوتاه" سردهند. معلوم نیست محسن فخری زاده فرمانده سپاه چه ربطی به "مردم ایران" دارد! یک گراند تحلیلی و نگرشی این نوع مواضع ناسیونالیسم ضد امپریالیستی است.

"ترور در هر شکل آن محکوم است"! این شعار شبیه موضع کسانی است که میگویند "باید به باور مردم احترام گذاشت"! طرف باور خودش اینست که به خرافات بعنوان مثال احترام بگذارد اما آنرا به "باور مردم" بسط میدهد تا موضع ارتجاعی اش را توجیه کند. اینجا هم گوینده این شعار از طیف ملی اسلامی تا چپ های باصطلاح دمکرات، دلشان با جمهوری اسلامی است و همراه با سران حکومت "محکوم می کنند". اما بگذارید ببینیم چرا کشتن فرمانده سپاه پاسداران و سران رژیم محکوم است؟ یک جامعه در حال جنگ با جمهوری اسلامی است و هر کسی از هر سوئی ممکن است کاری بکند. یا نیروئی در متن یک جنگ عنصری از حکومت را می زند، چرا "ترور در هر شکل آن محکوم است"؟ پشت این موضع داوری جهان و تصویر سربازان حافظ صلح سازمان ملل، جانبداری سیاسی از یکسوی جدال سنگر گرفته است. این صلح طلبی وارونه صورت ظاهر مسئله است، معنای اصلی این شعار دفاع از وضع موجود است. همانها که میگویند "انقلاب خشونت است"، این شعار را نیز در این مواقع بعنوان فشرده سیاست شان از کشوها درمی آورند. این خط آرامش است و نمی خواهد چهارچوبهای وضع موجود به هم بریزد. این خط مدافع وضع موجود است و صلح بین دول و نیروهای ارتجاعی و طبقات حاکم را موعظه می کند. اگر شما با این حکومت در حال جنگ هستی، که بیشتر مردم ایران هستند، واضح است که با مدنی چی گری و خواهش و تمنا رژیم قدرتش را واگذار نمیکند. ناچارید قوه قهریه ضد انقلابی این حکومت را با قوه قهر انقلابی درهم بکوبید و سرنگونش کنید. شما نمی توانید اصل جنگ را در جامعه طبقاتی نفی کنی، حداکثر میتوانید علیه جنگهای ارتجاعی باشید و با سربلند از جنگ و مبارزه انقلابی دفاع کنید. اما تبری جستن از جنگ انقلابی و عدم قبول الزامات آن، یعنی میدان را واگذار کردن به تروریستهای متفرقه و باندهای آوانتوریست سیاسی - نظامی و موعظه صلح بین آنها. اگر از محدود چپهای دولوکس که صرفاً میخواهند هارمونی ذهنی داشته باشند و کاری به جدال واقعی و زنده سیاسی ندارند بگذریم، این شعار فشرده موضعگیری آگاهانه کسانی است که در کیس مشخص کشته شدن فخری زاده، صریحاً یا تلویحاً کنار جمهوری اسلامی ایستادند.

* براساس و تلخیص شده گفتگو با تلویزیون پرتو. ۲ دسامبر ۲۰۲۰

جنگ تروریستها و اپوزیسیون راست ...

گفتگوی تلویزیون پرتو با سیاوش دانشور ...

دل هیچ طرفی را برنجاند. برای رضا پهلوی کشته شدن قاسم سلیمانی و فخری زاده، بیشتر دردسر است تا فرصت. مهمتر اینست که در چنین وقایعی بیشتر از هر زمان اپوزیسیون راست ایران همپوشانی با رژیم اسلامی و ارتجاع منطقه پیدا می کند. بدلیل این تناقضات و حسابگری سیاسی، از اتخاذ یک موضع روشن و سر راست عاجز است.

کریم نوری: ملی اسلامی ها چطور؟ بسیاری گفتند و نوشتند "ترور یک سردار کشور را محکوم میکنیم"! این موضعگیری چه معنی ای دارد؟

سیاوش دانشور: جریانات ملی اسلامی، اگر از محافل و افراد محدودی بگذریم، بدرجات مختلف متحد و هم جهت سیاستهای جمهوری اسلامی اند، اشتراکات آرمانی و سیاسی و فرهنگی قوی با رژیم اسلامی دارند، در بستر ناسیونالیسم ایرانی و شرق زدگی کار می کنند و مثل رضا پهلوی "فرهنگ ایران"، "هویت و تاریخ ملی" و "سرداران ملی" در ذهنیت و عمل سیاسی شان حضور سنگینی دارد. مهم نیست طرف قاتل است، حکومتی است، بچه های مردم را کرور کرور کشته، مهم اینست "ایرانی" است، "اسلامی" است، "خودی" است، "سردار کشور" است و طرف مقابل "خارجی" و "اجنبی" و "یهودی" است. اما معنی مهمتر این نوع موضعگیری، اعلام وفاداری سیاسی به جمهوری اسلامی است. دارند میگویند در این جدال در کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند.

کریم نوری: سینماگران حکومتی، برخی از سلبریتی ها، طرفداران باصطلاح "محور مقاومت" به عزای محسن فخری زاده نشستند. چرا؟

سیاوش دانشور: از یک جنس اند و به یک جنبش ارتجاعی واحد تعلق دارند. جمهوری اسلامی با کشتن و بستن و ممنوع کردن اهل هنر و سینماگر و هر کسی که زاویه ای با حکومت داشته، میدان را برای چاپلوسی عده ای نان به نرخ روز خور و فرصت طلب فراهم کرده است. اینها هم با استفاده از رانت حکومت و امکانات جامعه علیه مردم و تلاش شان برای آزادی بطور موسمی حرف می زنند و هر جا لازم شود در خدمت نظام قرار می گیرند. شما در رویدادهای آبانماه که هزار و پانصد انسان نازنین را امثال همین فخری زاده ها کشتند، صدائی از این جماعت نشنیدید. شما در هر واقعه و تراژدی انسانی در آن جامعه ردی از این جماعت نمی بینید. اما در افطار با روحانی حاضرند، در همبستگی با سپاه پاسداران در واقعه کشته شدن فخری زاده حاضرند، قبلتر بسیاری از این طیف با "رهبری" خامنه ای بیعت کردند. اینها ابواب جمعی باصطلاح هنری رژیم اسلامی و ادبیات و سینمای جبهه و جنگ اند. این جماعت پاره تن و محصولات "هنری و ادبی" ارتجاع اسلامی اند. با سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و شکوفائی حاصل از آن، دکان اینها هم تخته میشود.

کریم نوری: چپ هایی هم علیه "دولت صهیونیست اسرائیل" حرف زدند. یا شعار دادند که "ترور در هر شکل آن محکوم است"! شما چطور فکر می کنید؟

در یک نگاه!

۱۳ آذر، ۱۶ آذر

تجربه فراموش نشدنی داب

رحمان حسین زاده



کجا شروع شد و اعتراض به چی بود؟ ناظر آگاه برای شما توضیح میدهد که ۶۷ سال قبل به هنگام سفر نیکسون معاون ریاست جمهوری وقت آمریکا به ایران، "در اعتراض به کودتای سال ۱۳۳۲ و در اعتراض به رژیم سلطنت و وابستگی آن به آمریکا و اساسا حول دو خواست "استقلال ملی و علیه استبداد" اعتراض دانشجویی در دانشگاه تهران اتفاق افتاد.

سه تن از دانشجویان در مقابله با نیروهای سرکوبگر حکومت سلطنتی جان باختند. از آن زمان روز ۱۶ آذر به عنوان روز اعتراض دانشجویان ثبت شد. اما اگر بپرسند سیزدهم آذر ۱۳۸۶ چگونه اتفاق افتاد و برای چی بود؟ گفته میشود پلاتفرم آزادی و برابری مطرح بود. علیه جنگ و سرکوبگری و دانشگاه پادگان نیست مطرح بود. اتحاد با جنبش کارگری و جنبش زنان مطرح بود. میگویند مارکسیستها و کمونیستها به میدان آمدند. دستگیری و زندانی دادند و صدای جدیدی را مطرح کردند. میگویند یک حرکت جدید با کاراکتر جدید و با افق سیاسی جدید و رهبران جوان و کمونیست عرض اندام کرد. تا همین جا یک حرکت نوین و یک روز مهم دیگر در تاریخ سیاسی ایران ثبت شد. سالها بود غیاب پرچم چپ و کمونیستی را حس میکردیم. سیزدهم آذر سال ۸۶ ندایی در راستای پاسخگویی به این خلاء بود.



اکنون آزادی و برابری میتواند پرچم هر حرکت اعتراضی رادیکال در جنبش کارگری، جنبش زنان و هر جنبش اجتماعی خواهان تغییر در جامعه باشد. این تغییر و دستاورد مهمی در فضای سیاست ایران است. در فرصت مناسب دیگر به همه ابعاد تجارب، ابتکارات درخشان و درعین حال کمبودها و مولفه هایی که حرکت دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) را در مقابل جمهوری اسلامی ضربه پذیر کرد، باید پرداخت. اما تا همینجا صف آزادیخواهی و برابری طلبی در دانشگاه و میان دانشجویان میتوانند به مبارزات و دستاوردهای خود مفتخر باشد. در سیزدهمین سالگرد ابراز وجود موثر مبارزاتی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) در دانشگاه تهران و تعداد دیگری از دانشگاههای ایران به تلاشهای مبارزاتی، سیاسی و اجتماعی و متشکل آن نسل جوان پرشور و کمونیست باید درود فرستاد.

سوم دسامبر ۲۰۲۰

در این نگاه کوتاه قصد من پرداختن به کل تاریخ ۱۶ آذر، روز دانشجویان نیست. میخواهم از جای دیگری شروع کنم که اکنون سیزده سال از آن گذشته است. از جایی شروع کنم که به نظر من فصل جدیدی را در جنبش اعتراض سیاسی جامعه ایران گشود. ۱۳ آذر سرخ سیزده سال قبل نقطه عطف مهمی بود. نقطه عطفی که بدون پیشینه نبود. حرکت نوینی که چند سال قبلترش پروسه تعیین مسیر سیاسی خود را با پرچم و پلاتفرم سیاسی آزادی و برابری و به میدان آمدن رهبران و چهره های جوان و کمونیست شروع کرده بود. در آن سالها جمهوری اسلامی، رهبران و فعالین این جنبش را با "ستاره دار" کردن از دانشگاه و تحصیل محروم میکرد. جمهوری اسلامی غافل از این بود با اینکار آنان را به عنوان "ستارگان" مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه در آن زمان به جامعه معرفی کرد. اکنون هم نباید گذاشت آن تجربه درخشان شامل مرور زمان شود و دستاوردهای آن را باید یادآوری کرد.

سیزدهم آذر سال ۱۳۸۶ صرفا آکسیونی در یک روز نبود. بلکه سرآغاز علنی یک جدال سیاسی بود که در طول یکسال بعد آن ادامه پیدا کرد. دستگیری رهبران و فعالین اصلی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب را چند روز قبلتر از ۱۳ آذر ۱۳۸۶ شروع کردند. فکر میکردند مانع برگزاری مراسمهای سرخ ۱۳ آذر در آن سال میشوند. اشتباه کردند و متوجه نبودند که صف دیگر و نسل دیگری از رهبران و فعالین آزادیخواه و برابری طلب یورش رژیم را خنثی میکنند. عزم و اراده برافراشتن پرچم آزادی و برابری را در روز ۱۳ آذر به نمایش میگذارند. این اتفاق افتاد و این کشمکش بعد از ۱۳ آذر آن سال با دستگیریهای بیشتر، با اعمال شکنجه و اذیت در زندان و بعدها با گرفتن جان رفیق فراموش نشدنی و بسیار فداکاری چون علیرضا داودی و درعین حال با حمایت و همبستگی در داخل و خارج کشور ادامه پیدا کرد. این نبرد سیاسی در ابعادی گسترده و در پهنه بین المللی ادامه پیدا کرد. بعد دیگر این جدال بستن وثیقه های سنگین به دستگیر شدگان ۱۳ آذر ۸۶ بود. جمهوری اسلامی از این جنبش گروگان گرفته بود. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی با ابتکار و همت خود گروگانهایش را آزاد کرد. جنگ روانی وزارت اطلاعات و ویلاگهای وابسته اش در سیزده سال قبل و حتی سالهای بعدتر بخش دیگری از ادامه این جنگ با شگردهای پاختورده و نهایتا ناکام بود.

سیزدهم آذر سال ۸۶ حرکتی از اعماق جامعه را رو آورد. مطالبات و آرزوهای برحق کارگر، زن و انسان تحت استثمار جامعه را از عمق به سطح آورد. پرچم حرکت نوین و متفاوتی را حتی نسبت به سابقه خود ۱۶ آذر برافراشت. بگذارید توضیح دهم. اگر بپرسند ۱۶ آذر از

اعتصاب کارگران بهمن موتور

هو کردن مدیران توسط کارگران

روز پنج شنبه ششم آذر، کارگران بهمن موتور بخاطر سطح پائین دستمزد و فشار کاری در دوران کرونا دست از کار کشیدند و وارد اعتصاب شدند. کارگران خواهان دستمزد بیشترند و با محاسبه دلبخواهی دستمزدها بویژه در دوره کرونا مشکل دارند. همینطور محدودیتهای کرونایی برای کارگران بجای کاهش ساعات کار به افزایش ساعات کار انجامیده است. ظاهرا روزی نیم ساعت از شنبه تا چهارشنبه از ساعت کار هفته کم کردند، مجموعا دو ساعت و نیم. اما پنجشنبه ها را که کارگران تعطیل بودند، به روزکار تبدیل و از ساعت ۷ صبح الی ۱ بعدظهر بدون نهار اضافه کردند که مجموعا از ساعات کاری باصطلاح قانونی سه ساعت و نیم بیشتر است. افزایش ساعات کار در دوره کرونا و بازی با دستمزدها موجب اعتراض کارگران شده است.

بدنبال اعتصاب کارگران، پوراابراهیم رئیس هیئت مدیره بهمن موتور، برای خاتمه دادن به اعتصاب وارد محل کارخانه شد که کارگران او را هو کردند. پوراابراهیم که شوکه شده بود، کارگران عصبانی را تهدید به قطع کارانه ماهیانه نمود! کارگران در جواب وی گفتند؛ مگر قطع کارانه ۴۰۰ الی ۵۰۰ هزار تومانی در مقابل کارانه چندین میلیون تومانی مدیران خیلی مهم است؟ پوراابراهیم فهمید کارگران عصبانی تر از آنند که بشود با این تهدیدها ساکت شان کرد، لذا دست بدامن موسوی یکی از مدیران ارشد شد. موسوی یکی از مدیران شرکت کروز است و با هیئت و آتورپته خاصی طی چند ماه گذشته به شرکت بهمن موتور اعزام شده است. وی طی اینمدت در تمام اماکن بهمن موتور و سایت گروه بهمن با هزینه ای گزاف دوربین های بسیار زیاد جهت کنترل کارگران و کارمندان تعبیه نموده است تا با خیال خام خویش کارگران را مرعوب کند. اما کارگران دلیر و متحد، موسوی را هم هو کردند و مدیران را سرافکنده از کارخانه به دفترشان پس فرستادند.

وسط پاندمی کرونا و مخاطراتی که بویژه برای کارگران و کارکنان دارد، افزایش ساعات کار و دزدی از حقوق کارگران اوج وقاحت و بیشرمی کارفرمایان و دولت اسلامی را بنمایش میگذارد. افزایش دستمزدها، کاهش ساعات کار بدون کاهش حقوقها، تامین و تضمین نیازهای بهداشتی و کار شیفتی، یک خواست کارگران در شرایط کنونی است. درود بر رزم و اتحاد و اعتصاب کارگران بهمن موتور!

بهمن موتور همان "کارخانه ماشین سازی مزدا" یا بعدتر "ایران وانت" است که امروز "هلدینگ بهمن موتور" شده است و در زمینه تولید خودروهای سواری و تجاری، موتور سیکلت، انرژزی، نفت، گاز و پتروشیمی و سرمایه‌گذاری مالی فعالیت می‌کند. گروه بهمن در سال ۹۵ به بخش خصوصی واگذار شد. هلدینگ بهمن موتور در قالب شرکت‌های ایران دوچرخ، بهمن موتور، سیبا موتور و بهمن دیزل فعالیت دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۸ آذر ۱۳۹۹ - ۲۸ نوامبر ۲۰۲۰

ادامه اعتصاب کارگران بهمن موتور

تهدید نمایندگان به اخراج

بدنبال اعتصاب روز پنجشنبه ششم آذر کارگران بهمن موتور، که طی آن کارگران اعتصابی مدیران را هو کردند، قرار شد با نمایندگان کارگران در باره مشکلات و خواستههای کارگران جلسه ای برگزار شود. این باصطلاح جلسه مذاکره که بنا بود دیروز دوشنبه با نمایندگان کارگران برگزار شود و از جمله مجددا "کارانه" را به حقوق ها اضافه کنند، بیشتر هدفش شناسائی فعالین و نمایندگان کارگران و تهدید و تطمیع آنها بود. همینطور هم شد و اعلام کردند که نمایندگان را اخراج می کنند!

در پاسخ به تهدید به اخراج نمایندگان کارگران توسط کارفرمایان، امروز سه شنبه ۱۱ آذر، کارگران مجددا دست به اعتصاب زدند و از رفتن به نهارخوری نیز امتناع کردند. با اعتصاب امروز کارگران و نرفتن به نهارخوری، بلافاصله از جانب کارفرما اعلام شد که اخراج نمایندگان منتفی است. همینطور کارگران میان خودشان اعلام کردند که برای پیگیری خواسته‌هایشان، پس فردا پنجشنبه ۱۳ آذر، نیز اعتصاب می کنند و برسر کار در کارخانه حاضر نخواهند شد.

بخش تولیدی شرکت بهمن موتور در جاده قدیم کرج واقع است و کل کارگران این بخش ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر هستند. آخرین اعتصاب این شرکت حدود ده سال پیش بود. اعتراض و اعتصاب اینبار کارگران از قسمت های انبار و مونتاژ شکل گرفت که مدتی قبل مدیران شرکت، در محاسبه دستمزدها "سختی کار" کارگران این بخشها را قطع نمودند. اما اعتراض میان دیگر بخشهای کارگران از جمله برای دستمزد و مسائل دیگر وجود داشت و به همراهی کل کارگران در قسمت های رنگ و دیگر بخشها روبرو شد و تولید را خواباند.

فردا چهارشنبه ۱۲ آذر کارگران برسر کارشان حاضر می شوند اما پنج شنبه ۱۳ آذر را اعتصاب می کنند. بهتر است مدیران مفتخور کروز و بهمن موتور، به خواستههای بدیهی و برحق کارگران احترام بگذارند و سریعاً آنها را پاسخ دهند. در اینروزها کارگران بهمن موتور انتظار حمایت و همراهی هزاران کارگر دیگر بخشهای هلدینگ گروه بهمن از جمله؛ ایران دوچرخ، سیبا موتور و بهمن دیزل از اعتصاب و اعتراض خود را دارند. زنده باد رزم و اتحاد کارگران بهمن موتور!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۱۱ آذر ۱۳۹۹ - ۱ دسامبر ۲۰۲۰

آخرین خبر:

روز پنجشنبه ۱۳ آذر، مدیریت بهمن موتور یک اطلاعیه صادر کرده که در آن عنوان شده: "در فیش حقوقی ماه بعد اصلاحاتی صورت میگیرد" اما هیچ توضیحی در مورد این اصلاحات و آوردن کارانه و غیره نداده است.*

پیامدهای کشتن محسن فخریزاده معاون

وزارت دفاع رژیم

جمال کمانگر

در میانه تاخت و تاز ویروس کرونا در ایران و جهان، روز جمعه ۲۷ نوامبر برابر با ۷ آذر ماه، خیر کشته شدن یکی از فرماندهان مهم سپاه پاسداران و معاون وزارت دفاع رژیم اسلامی در نزدیکی تهران به صدر اخبار رانده شد. یک نکته را میخوام تاکید کنم که شخصا کسی یا کسانیکه روی سلاحهای کشتار جمعی چه هسته ای و چه موشکی کار میکنند، جنایتکارانی به حساب می آورم که نقشه کشتار وسیع مردم را میکشند و ذره ای ارزش برای علم و دانشی اگر داشته اند، قائل نیستم!

اما حذف یکی از مهره های بلند پایه نظامی رژیم پیامدهای داخلی و بین المللی خواهد داشت. در بعد داخلی قبل از هر چیز وجود "حفره امنیتی" عمیقی در پیکره نظام جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشته است. سوم ژانویه ۲۰۲۰ قاسم سلیمانی همراه با ابو مهدی المهندس در فرودگاه بغداد به قتل رسیدند. بعد از کف چرانی فرماندهان و رهبران رژیم مبنی بر "انتقام سخت" با یک حرکت هماهنگ و نمایشی که از قبل به آمریکاییان اطلاع داده بودند، چند موشک به پایگاه خالی شده نزدیک بغداد شلیک کردند. در اصل آنچه "انتقام سخت" نامیده شد دوباره گریبان مردم نگون بخت ایران را گرفت و منجر به هدف قرار دادن هواپیمای خطوط اکراین با ۱۷۶ مسافر و خدمه بود که عموماً ایرانی بودند! این حادثه رسوایی بزرگی برای سپاه پاسداران در نزد مردم ایران و جهانیان به بار آورد. انفجار وسیع و مخرب در سایت هسته ای نطنز در تابستان امسال بار دیگر آسیب پذیر بودن رژیم را صد چندان تاکید کرد.

اما قتل فرمانده نظامی سپاه محسن فخریزاده در "آبسرد" تهران در حالی انجام شد که طبق گفته شمخانی دبیر "شورای عالی امنیت ملی" رژیم و ربیعی معاون روحانی وزارت اطلاعات از قبل از نقشه ترور فخریزاده و حتی محل آن مطلع بوده اند! وقتی سران امنیتی و اطلاعاتی رژیم بر وجود "حفره امنیتی" در دستگاه اطلاعاتی رژیمشان صحنه میگذارند، کیهان شریعتمداری ملاحظات را کنار میگذارد و در صدد تسویه حساب با باقیمانده اصلاح طلبان بر می آید و عیسی کلانتری دیگر معاون روحانی را به جاسوس بودن متهم میکند!

جریان اصولگرایی رژیم یک صدا توافق موسوم به "برجام" را مسئول این قتلها و انفجارها میدانند. سعید جلیلی مذاکره کننده سابق رژیم بند پنج "برجام" را مسئول انفجار نطنز میدانند که منجر به خرابی وسیعی در تابستان امسال شد. تا آنجا که به درون رژیم بر میگردد یک فضای شک و تردید کل رژیم را فرا گرفته است. بار کردن یک کامیون اسناد در تهران توسط جاسوسان اسرائیلی و انتقال آنها به تل آویو پایتخت این کشور در سال ۲۰۱۸ بدون همکاری و همراهی بخشی از نهادهای امنیتی رژیم غیره ممکن است. در نتیجه کشمکش درونی جناحهای رژیم و حذف رقبای سیاسی و نظامی به بخشی از سیاست بقاء تبدیل شده است. زبان تند اصولگرایان و سکوت معنا دار اصلاح طلبان، شکنندگی

رژیم را نشان میدهد. با توجه به سناریوهای مختلفی که مقامات امنیتی رژیم تاکنون بیان کرده اند بعید نیست که کار برادران "خودسر" برای بهره برداری از این قتل برای پیشبرد سیاست داخلی و خارجی شان باشد! چندماه به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ باقی نمانده است. زمزمه "رئیس جمهور نظامی و انقلابی" در

کنار مجلس اصولگرا از هر زمانی بیشتر به واقعیت نزدیک شده است. حتی اگر مذاکره و "نرمش قهرمانانه" دیگر در چشم انداز باشد از کانال سپاه پاسداران و خامنه ای خواهد گذشت.

بخشی از اپوزیسیون مفلوک در دام محکومیت این قتل و همراهی با رژیم اسلامی افتاده اند. تعدادی از سینماگران رژیمی، حسرت عدم شناخت دیر هنگام این مهره نظامی را دارند. بخشی دیگری حول رضا پهلوی در این مورد از اینکه "جمهوری اسلامی نام ایران را با خرابکاری، گروگانگیری، وحشت و مرگ و ویرانی لکه دار کرده است" ناراضی است و سیاستشان را به رژیم پنج و بمباران و موشک باران ایران گره زده اند.

در بعد بین المللی این قتل منجر به هیچ جنگ تمام عیاری در منطقه و حتی واکنشی شبیه قتل قاسم سلیمانی در ژانویه امسال نخواهد شد. رژیم اسلامی با بحرانهای عیدیه ای که با آن روبرو است، بعید است که دست به چنین حماقتی بزند. فعلاً تا ۲۰ ژانویه سال آینده میلادی که تیم جو بایدن زمام امور آمریکا را بدست میگیرد رژیم منفعلانه برخورد خواهد کرد. هرچند جو بایدن در مصاحبه با "توماس فریدمن" خبرنگار نیورک تایمز گفته است که "برگشت به برجام سخت است. محدودیتهای هسته ای ایران را تشدید و تمدید میکنیم. فعالیتهای منطقه ای و شروانه (رژیم) ایران را متوقف میکنیم". همان سیاستهای ترامپ را در پیش خواهد گرفت. مسئله مذاکره با آمریکا در آستانه انتخابات ریاست جمهوری رژیم در چند ماه آینده دور از انتظار است. بعد از قتل محسن فخریزاده مجلس شورای اسلامی طرح دو فوریتی را به تصویب رساند که دولت را موظف میکند در صورت عدم پایبندی اروپا بر برجام ظرف دوماه از پروتکل الحاقی یا "ان پی تی" خارج شوند. شورای نگهبان این مصوبه مجلس را ظرف یک روز تصویب و برای دولت الزام آور کرده است! هرچند روحانی و دولتش آنرا "مضر" اعلام کرده اند. اما جالب است مصوبه فوق روحانی را مسئول اجرای بندهای آن میدانند و صراحتاً ذکر میکنند که در صورت عدم اجرا فرد مسئول به ۲۵ سال زندان محکوم خواهد شد! پرونده روحانی و خدمت ۸ ساله اش برای بقای رژیم به این صورت در حال بسته شدن است. اما مشکل رژیم اسلامی نه مذاکره و نه تحریم اقتصادی است و حتی نه عر و تیزهای "چشم در مقابل چشم" فرماندهان نظامی رژیم، بلکه مردم ایران است که در دیماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ از هر دو جناح رژیم عبور کرده اند و خواهان سرنگونی رژیم هستند. پاندمی کرونا تعرض مردم را به تاخیر انداخته است اما نباید تردیدی داشت که این جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلب با قدرت بیشتر دوباره باز خواهد گشت و تا سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی از پای نخواهد نشست!



پ ک ک، "سرباز دلسوز" در خدمت بقای رژیم اسلامی ایران

عبداله دارابی

مناسب می دانم بدواً با سخنان "آمد شاهو"، از پ ک ک و دخیل در امورات سیاسی پژاک، شروع کنیم و با رجوع به آن، سیاست دفاع از رژیم و شاخ و شانه کشیدن های پ ک ک علیه کارگران و مردم انقلابی و مبارز کردستان ایران را از نظر بگذرانیم.

آمد شاهو، در ۲۸ نوامبر ۲۰۲۰، در نشریه "خواکروس" Xwakrus، به تنشهای اخیر بین دولتهای ایران و آمریکا پرداخته و ضمن مخالفت با این تنش، اعلام کرده: "اگر جنگ بین دو دولت ایران و آمریکا، رخ بدهد پ ک ک، سرباز دلسوز ایران خواهد بود، چون همزیستی مسالمت آمیز توأم با امنیت ملیت ها (گه لان)، در ایران جاری است و ما به هیچ شیوه ای برای بهم زدن همچون زون آرامی چون ایران نیستیم که همزیستی مسالمت آمیز ملیتها در آن قابل مشاهده است".

از قرار معلوم مخاطب این تهدیدات پ ک ک، مطلقاً دولت آمریکا نیست. دولت اسلامی ایران هم با این نوع جفنگ گفتن ها آشنا است و آنرا جدی نمیگیرد. چون اولاً، پ ک ک از توان و ظرفیت و قابلیت آنچنانی برخوردار نیست که از پس این نوع ادعاها برآید، دل به دریا بزند و همه پلهای پشت سر خودش را یکباره و برای همیشه خراب کند. دوماً، نیروی خواهر و حامی خود پ ک ک در کردستان سوریه، زیر دست و مورد حمایت کامل آمریکا است. بنابراین، این نوع تملق و چاپلوسی را هیچ جریانی ولو جمهوری اسلامی هم جدی نمیگیرد. سوماً، آمریکا تا این لحظه، خطری جدی برای کنار زدن رژیم اسلامی ایران نبوده است. بنابراین، سیاست مقابله با آمریکا را نمیتوان در پس پرده حمایت از رژیم ایران قایم کرد و آنرا به خورد مردم داد. اما حمایت و دلبستگی پ ک ک نسبت به رژیم ایران، یک امر واقعی و انکار ناپذیر است چون قدمت تاریخی ۴۱ ساله دارد و افکار عمومی ایران و جهان نیز کاملاً به آن واقف اند و نیازی به مخاطب قرار دادن آمریکا نداشت.

با توجه به نکات فوق، مخاطب بیعت مجدد پ ک ک با جمهوری اسلامی، اساساً مردم در کردستان و سراسر ایران هستند که جدی تر از همیشه موجودیت رژیم را به منظور ساقط کردن آن از اریکه قدرت به چالش کشیده اند و میروند تا آنرا برای همیشه به زباله دان تاریخ بسپارند. یقیناً تداوم این پیروزی، به همینجا ختم خواهد شد و ترکش آن نیز به تنه نحیف ارتجاع و حافظان رژیم هم خواهد خورد. به همین خاطر، دفاع پ ک ک از جمهوری اسلامی امری واقعی است چون دفاع از آینده خود پ ک ک هم در آن نهفته است.

مردم کردستان و سراسر ایران روند خویشاندی فکری و عملی بین پ ک ک با جمهوری اسلامی را با دقت تعقیب کرده و آنرا در حافظه خود ثبت و ضبط کرده اند. چگونگی انجام هر نوع تقابل و رویارویی مشترک آنها علیه هر نوع عدالتخواهی در کردستان را با دقت رصد

کرده که هیچگاه قابل گذشت نیستند. برای نمونه، یورش وحشیانه رژیم به صف تظاهر کنندگان شهر سنندج و به خاک و خون کشیدن آن در سوم اسفند ۱۳۷۷ که توأم بود با حمایت بی دریغ پ ک ک از رژیم، هیچگاه از نظر مردم کردستان فراموش شدنی نیست. جهت اطلاع نسل جوان امروز کردستان، پ ک ک، آن تظاهرات عظیم و آن همه

جانبازی مردم سنندج علیه رژیم را به عنوان "آشوبگر و عوامل صهیونیست و آمریکا" قلمداد کرد تا بتواند توجه رژیم را بیش از پیش به سوی خود جلب نماید. فریبنده تر از آن، این عمل شنیع و ضد مردمی پ ک ک، در شرایطی انجام گرفت که آوای ساختن "دولت کوردی" آزمون آنها، گوش فلک را کر کرده بود و میرفت تا توجه ساده دلانی را به خود جلب نماید. ولی دیری نگذشت این ترفند سیاسی نیز چون بقیه سیاست های دیگرشان نقش بر آب شود و برای همیشه محو گردد. چه کسی میتواند اعدام شنیع و ناحق سوران دانشور اهل روستای گیوزه کیوره مریوان و سوران اختر اهل روستای به روار اورمان و باج و خراج گرفتن از کولبران در مرزها و مردم بی دفاع در داخل کردستان را که توسط پ ک ک و پژاک، به اجرا در آمده است را فراموش کند؟

به فاصله عمیق بین فرهنگ و تعقل اجتماعی مردم متمدن کردستان و منطقه با این مضاف بر نکات فوق، جا دارد به فاصله عمیق طبقاتی در کردستان که همه احزاب ناسیونالیست منکر آنند، همچنین تفاوت بین فرهنگ و تعقل اجتماعی مردم متمدن کردستان و منطقه با فرهنگ این رژیم های متحجر و فاسد و این جنبش ناسیونالیسم کرد اخته شده نگاه کنید و ببینید چقدر از تحول مدنی و فکری جامعه امروز عقب اند. به خاطر رسیدن به تیولداری کردستان در مقابل هر پاسدار و هر ژاندارم و حاکمان فاسد منطقه زانو میزنند؟!

مردم کردستان، کارگران و آزادیخواهان!

مخاطب پیام پ ک ک، شما هستید که در کشاکشی سهمگین برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستید. جا دارد از این پس آنها را با همین اسم یعنی "سرباز دلسوز رژیم" که جدیداً بر پیشانی خود حک کرده اند صدا کنید. این، یک اسم عادی و معمولی نیست، معرف هویتی است که نمی توانند بیش از این آنرا در خفا نگاه دارند. پ ک ک با شما مردم سرنگونی طلب حرف میزند و به جمهوری اسلامی پیام میدهد. هر کسی که تاکنون کمترین توهمی به پ ک ک داشته باید بخود آید و این جریان را که با افتخار و آشکارا مزدوری جمهوری اسلامی را اعلام می کند، طرد و افشا کند و رسوایی تمام و کمال آنها را با جدیت در دستور خود قرار دهد.

تهدیدات پی در پی سران جنبش ناسیونالیسم کرد، به شما نشان داده است که رژیم جمهوری اسلامی در مقابله با شما تنها نیست و آنها را با خود دارد و به آنها امید بسته است. واقعیات چهار دهه اخیر به شما کارگران و آزادیخواهان جامعه نشان داده است که، دشمن اکثریت جامعه کردستان، تنها رژیم جمهوری اسلامی نیست، سران ناسیونالیست بورژوازی کرد خوابانده در ترشی نیز در کمین اند تا بعد از سقوط رژیم توسط شما، در سایه سیستم موجود سرمایه داری

فرانسه، خروش علیه طرح امنیتی مکرون



پاریس ۲۸ نوامبر، تظاهرات و اجتماع بیش از دویست هزار نفر در پاریس. در این روز در شهرهای مختلف فرانسه از جمله پاریس و رن و بوردو و ... حدود نیم میلیون نفر علیه لایحه امنیتی مکرون تظاهرات کردند. این لایحه صرفاً اختیارات پلیس را در سرکوب بیشتر و به سیاستهای فاشیستی و محدود کننده میدان میداد. بعنوان مثال حق کنترل عمل پلیس از جمله عکاسی از نیروهای سرکوب را ممنوع میکرد. زیر فشار اعتراضات گسترده، چهارشنبه دوم دسامبر سخنگوی وزارت کشور فرانسه اعلام کرد که این لایحه نظر به درک و استنباط غلط فرانسوی ها از آن پس گرفته میشود.

زنده باد اعتراض رادیکال و متحد. ایستادن در مقابل تعرض دولتها و سرچای خود نشانیدن آنها، حتی اگر قدم کوچکی هم باشد، مهم است. این خروش توده ای قدرت پائینی ها را خاطر نشان می کند و بر امکان پیروزی بر قدرت فائقه دلالت می کند. *



**اعدام قتل
عمد دولتی است!**

پ ک ک، "سرباز دلسوز" در خدمت

بقای رژیم اسلامی ایران ...

محصول تلاشتان را بقاپند و بر کرده شما سوار شوند.

بروز آشکار و علنی این واقعیات، از شما کارگران و مردم آزادیخواه کردستان می طلبد که از این پس متحد و متشکل تر از همیشه در مقابل دشمنان رنگین کمان خود ظاهر شوید و به چیزی کمتر از برقراری حاکمیت شورایی خود در کردستان و سراسر ایران راضی نشوید. اجازه ندهید جریانات مرتجع و واپسگرا بعد از سقوط رژیم کمافی سابق با نام شما و علیه شما وارد بند و بست برس سهم بری از قدرت شوند و بدینوسیله زندگی بر باد رفته تان را بیش از پیش به حراج بگذارند. مردم کردستان باید جوانان را از پیوستن به صفوف آنها پیشمان کنند و نگذارند سرنوشت آنها بازبچه دست مشتکی سرمایه دار مفتخور طرفدار ارتجاع اسلامی قرار بگیرد. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست سنگر مبارزه شما علیه جمهوری اسلامی و نیروهای اردوی ارتجاعی بورژوا ناسیونالیسم کرد است. در حزبتان متشکل شوید!

۳ نوامبر ۲۰۲۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم

توده ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات

شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و

قیام و فردا ارگان حاکمیت!

جمهوری اسلامی اتمی

بن بست فرجام، حکومت نظامی در جامعه

نادر شریفی



توسط سونامی در منطقه فوکوشیما رخ داد، بخشی از تاسیسات اتمی آنجا را نیز منفجر کرد که منجر به خروج رادیو اکتیو و آبهای آلوده به آن به دریا شد و بدین ترتیب فاجعه اتمی دیگری جهان را باری دیگر ماتم زده کرد. طبق گزارشات موجود بلوک یک و سه تاسیسات اتمی فوکوشیما منفجر و حدود یک پنجم رادیو اکتیوی که در چرنوبیل

آزاد شده بود در فوکوشیما نیز آزاد شد. نتیجه این فاجعه طبیعی با وجود کنترل بالا و عکس العمل منحصر بفرز ژاپن همچنان نجومی و غیر قابل محاسبه است. بهر صورت عده بسیار زیادی انسان برای دراز مدت و یا برای همیشه محل سکونت خود را از دست دادند، میلیونها حیوان بلافاصله یا بخاطر عواقب این فاجعه کشته و نابود شدند. اثرات تخریبی طبیعی چنین فاجعه ای تا میزان بسیار زیادی حدسی است و روشن است که دولتهای حاکم، بخاطر ترس از انفجار جامعه، آمار دقیقی از قربانیان انسانی و طبیعی نه از انفجار در چرنوبیل و نه از انفجار در تاسیسات اتمی در فوکوشیما به جهانیان عرضه نمیکند!

رادیو اکتیو چیست؟

درخت، میز، ابر و ... همه مواد پیرامونی در طبیعت ما، حاصل ترکیبات مختلف از عناصر اولیه شیمیایی اند: مثل طلا، آهن، اکسیژن و غیره. اغلب این عناصر در ترکیبات شان پایدارند مثل چوب. اما عناصری در طبیعت وجود دارند که در ترکیبات تغییر می کنند و یا با دیگر عناصر ترکیب می شوند. این عناصر ناپایدار را رادیو اکتیو مینامند. رادیو اکتیو پروسه دائمی متلاشی شدن و تغییر فرم دادن هسته اتم است. در پروسه متلاشی شدن این عناصر انرژی آزاد می شود که تشعشعات و یا تابش رادیو اکتیو نامیده می شود. تشعشعات رادیو اکتیو در فرم بسیار ضعیف و طبیعی اش در اتمسفر زمین موجود است ولی از آنجا که بمقدار بسیار ناچیزی است، جسم انسان قابلیت دفاع از خود در مقابل آن را دارد. بطور متوسط هر انسان در اروپا سالانه حدود ۱.۲ میلی زیوررت (mSv) تابش رادیو اکتیوی دریافت میکند. مرز تحمل جسم انسان و حتی طبیعت چیزی نزدیک به بیست برابر تشعشع معمولی در سال است. این میزان از رادیو اکتیو در نزدیکی تاسیسات اتمی تا در مراکز پزشکی برای رونتگن و حتی درمان بعضی از بیماریها نیز مورد استفاده قرار میگیرند، که تا مرز بیست میلی زیوررت را همچنان بی خطر می شناسند.

خطرات استفاده از تکنیک هسته ای و به این وسیله خروج رادیو اکتیو به میزان بالا در محیط زیست را میشود در دو بخش مهم تقسیم بندی کرد:

یک: احتمال بروز حادثه ای در پروسه ذوب شدن هسته مثل خطاهای انسانی، ترکیدن لوله های محافظتی، زمین لرزه، آتشفشان، سونامی تا سقوط هواپیما، عملیات تروریستی تا برخورد سنگهای آسمانی. این حوادث هر لحظه ممکن است رخ دهند و فجایی مانند چرنوبیل و یا فوکوشیما را دوباره بوجود آورند.

دوم: برخلاف ادعاهای صاحبان سرمایه و کسانیکه تنها به سودآوری فکر میکنند، این تکنیک اکیدا یک تکنولوژی "پاک و بی

مقدمه: اولین آزمایشات برای شناخت و دستیابی به انرژی هسته ای به سال ۱۸۹۰ باز میگردند. از سال ۱۹۳۸، وقتی ارتش ها در سرآغاز جنگ جهانی دوم متوجه شدند که از انرژی هسته ای می توان بعنوان یک ابزار کشتار جمعی قدرتمند استفاده کنند، دامنه تحقیقات بر روی انرژی هسته ای را چندین برابر کردند. به این ترتیب "مسابقه" برای پیدا کردن مخربترین بمب و یا موشک اتمی توسط آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، روسیه و غیره با شتاب جنون آمیز شروع شد، تا اینکه ایالات متحده آمریکا در جولای ۱۹۴۵ اولین بمب اتمی خود را آماده کرد. ایالات متحده آمریکا قبل از "تست انسانی" اش روی مردم ژاپن، از جمله در صحرای نیومکزیکو، تستهای مشابهی را انجام داد. نتایج یکی از این آزمایشات ایجاد دره ای به عمق ۳ متر و شعاعی به دایره حدود ۳۳۰ متر توسط نمونه اول بمب اتمی بود. شعاع بوجود آمده توسط انفجار این بمب در ۱۶۰ کیلومتری آن نیز بخوبی قابل بررسی بود. ماسه های موجود در حوالی پرتاب بمب بخاطر گرمای بسیار بالا، تبدیل به شیشه شدند. این آزمایشات نشان میداند که متأسفانه میزان تخریب چنین بمبی فراتر از تصور هر انسانی می باشد ولی با این وجود در ششم آگوست ۱۹۴۵ اولین و آخرین بمب اتم روی دو شهر بزرگ ژاپن هیروشیما و ناگازاکی توسط ارتش آمریکا انداخته شد. نتایج و عواقب جانی و طبیعی این جنایت پس از هفتاد و اندی سال هنوز قابل رویت اند. مرگ فوری صدها هزار نفر، بیماریهای سرطانی، روحی و روانی تا به امروز تنها گوشه کوچکی از این جنایت جنگی علیه بشریت است.

پس از جنگ جهانی دوم، آزمایشات اتمی از سال ۱۹۵۰ برای استفاده های "صلح آمیز" و نظامی بار دیگر از سر گرفته شد و جهان سرمایه استفاده از آنرا، برای گمراه کردن جوامع بشری حتی، منبع "انرژی پاک" و "صلح" نیز نامید و حتی تولید و نگهداری آن را کم هزینه، بی دردسر و قابل کنترل معرفی کرد. جهان امروز اما با دو تجربه بسیار تلخ در تاریخ سی و اندی سال گذشته، نگاه واقع بینانه تری به انرژی هسته ای و در کل به این تکنیک غیر قابل کنترل پیدا کرده است.

در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ بلوک چهار تاسیسات اتمی چرنوبیل منفجر شد و ظرف چند روز دهها تریلیون واحد رادیو اکتیو (Becquerel واحد اندازه گیری) وارد جو زمین گردید. نتیجه ورود این مقدار از رادیو اکتیو در جو این است که تا امروز و با گذشت بیش از سی و اندی سال از این فاجعه، کل منطقه و از طریق باد و نفوذ باران به زمین، بخش اعظمی از اروپا همچنان آغشته به رادیو اکتیو می باشد. جهان غرب اما این فاجعه بشری را با تبلیغات جنگ سردی خود پای کمونیستهای روسی گذاشت و همچنان در تحت کنترل بودن این تکنیک پافشاری میکرد تا اینکه در یازده مارس ۲۰۱۱، مجموعه ای از حوادث که

جمهوری اسلامی اتمی

بن بست فرجام، حکومت نظامی در جامعه ...

خطر" برای بهره برداری "صلح آمیز" نمی تواند باشد. تولید انرژی هسته ای با پروسه "تولید انرژی" به تنهایی به پایان نمی رسد! تتمه باقیمانده از "میله های سوختی"، بنام تفاله زباله اتمی، از جمله معضله‌های دیگر استفاده از این تکنولوژی است. نمونه زنده تری بی‌آوریم: دولت آلمان پس از سانحه اتمی در فوکوشیمای ژاپن تصمیم گرفت که هشت راکتور اتمی کهنه خود را بلافاصله از دور خارج و آنان را رفته رفته جمع آوری کند. طبق محاسبات مختلف برای پاکسازی هر راکتور اتمی از رادیو اکتیو حداقل ۱۵ سال وقت و حداقل ۴۴ میلیارد یورو پول لازم است. تازه این شاید بخش قابل اندازه گیری از استفاده "صلح آمیز" انرژی هسته ای باشد. تفاله های اتمی معضل عدیده تری برای اجتماع بشری در یک میلیون سال آینده اند. بطور واقع تا به امروز راه حل عاقلانه و بلند مدتی برای مشکل آشغالهای اتمی پیدا نشده است. مراکز یافته شده برای نگهداری تفاله های اتمی، مراکزی برای نگهداری آشغالهای اتمی بصورت دائمی و همیشگی نیستند و طبیعتاً نمی توانند باشند. در حال حاضر تنها در اروپا، بغیر از روسیه و اسلواکی ۶۰ هزار بشکه آشغال اتمی به انتظار محل دائمی برای نگهداریند. بخش مهمی از بشکه های آشغالهای اتمی در اروپا تنها در فرانسه نگهداری میشوند. سازمان ملی غیرانتفاعی انبار آشغالهای اتمی در سوئیس (Nagra) معتقد است که قبل از سال ۲۰۶۰ محل دائمی برای نگهداری آشغالهای اتمی پیدا نخواهد شد. مشکل دیگر این است که حداقل یک میلیون سال لازم است تا رادیو اکتیو موجود در این بشکه ها بدون ایجاد خطر به طبیعت بازگردانده شوند. برای خواننده آگاه دیگر روشن است که نگهداری یک میلیون ساله آشغالهای اتمی، برای بشریت چه معنا و چه هزینه و چه عواقبی در بر خواهد داشت؟

رقابت بر سر دستیابی به تسلیحات هسته ای

امروز، پس از پایان دوران مسابقات تسلیحاتی بین دو بلوک، کماکان ۱۳۴۰۰ ابزار جنگی اتمی در جهان رسماً موجود می باشد. ۹۳٪ جنگ افزارهای اتمی متعلق به روسیه و آمریکا می باشند. در حال حاضر کشورهای چین، فرانسه، انگلیس، هند، اسرائیل، کره شمالی و پاکستان دارندگان رسمی، اسلحه های اتمی می باشند. به کشورهایانی که علاوه بر تکنولوژی هسته ای، توان ساخت "سیستمهای حامل" را نیز دارند، قدرتهای اتمی میگویند. قابل ذکر است که پس از فروپاشی بلوک شرق عده ای از کشورهایی که خواهان استقلال از شوروی سابق بودند، آزدانه از پروژه های اتمی خود صرفنظر کرده و به پیمان ممنوعیت جنگ افزار اتمی پیوسته اند. افریقای جنوبی یکی دیگر از کشورهاییست که در سال ۱۹۹۱ رسماً سلاحهای اتمی خود را نابود کرده و به پیمان ممنوعیت جنگ افزارهای اتمی پیوسته است.

برخلاف کشورهایی مثل جنوب افریقا، حکومتهای ضد مردمی و جنایتکاری، مثل حکومت استبدادی کره شمالی و جمهوری فاشیستی اسلامی ایران، تلاشهای فراوانی با صرف صدها میلیارد دلار از جیب جامعه کرده اند تا به تسلیحات اتمی دست پیدا کنند. این حکومتها

متصورند که بقای حکومت شان وابسته به امکانات هسته ای و کسب بمب اتمی است و دستیابی به جنگ افزارهای اتمی می توانند عمر حکومت شان را حداقل در مقابل "دشمنان خارجی" تامین کند. جمهوری اسلامی هم در این راستا از سال ۲۰۱۰ بطور رسمی خود را یک قدرت اتمی خوانده ولی تا به امروز بر "صلح جویانه" بودن برنامه خود پافشاری میکند. جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای تا به امروز بارها مواضع ضد و نقیضی را در باره برنامه های اتمی جمهوری اسلامی اعلام کرده اند. از جمله اینروزها ما شاهد فشار مجلس بر روی دولت روحانی برای غنی سازی ۲۵٪ اورانیوم و بنابراین خروج رسمی از برجام هستند. روشن است این درصد از غنی سازی تنها مصرف جنگ افزاری دارد و ربطی به "صلح آمیز" بودن پروژه اتمی جمهوری اسلامی ایران ندارد.

برنامه های هسته ای توجیه اقتصادی ندارد

پیگیری برنامه اتمی برای استفاده صلح آمیز امروز حتی برای کشورهایانی که خود به تنهایی قادر به ساخت راکتورهای اتمی و مجهز به این تکنیک می باشند، نیز از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست. جمهوری اسلامی تنها برای برنامه نظامی خود که همانا فاجعه آفرینی در منطقه و ایران است، هزینه بسیار سنگین اقتصادی صرف کرده و فقر و فلاکت وسیعتری را به مردم ایران تحمیل کرده است. تصمیم جمهوری اسلامی برای تبدیل انرژی هسته ای به سلاح اتمی تنها بر اساس مقتضیات امنیت خود حکومت انجام می گیرد و ربطی به احتیاجات ضروری جامعه ایران ندارد. پشت برنامه اتمی جمهوری اسلامی اکیدا هیچ عقلانیتی از آغاز تا به امروز بغیر از حفظ حکومت و قلدری در منطقه وجود ندارد. چرا که با ساده ترین محاسبات عقلانی می توان ثابت کرد ترازوی هزینه: اعم از راه اندازی، نگهداری، کنترل و نگهداری تا نگهداری هزاران ساله آشغالهای اتمی در کنار خطر فجایع انسانی و طبیعی (حتی بفرض محال برای جمهوری اسلامی صلح آمیز باشند) در مقابل فایده آن در هیچ کفه ترازوی قرار نمی گیرند. فقدان توجیه اقتصادی کسب انرژی برق از برنامه هسته ای با توجه به ذخایر غنی گاز، نفت و منابع سرشار رایگان از جمله گرمای خورشیدی، و باد و آب بیشتر به یک فاجعه و یک خیانت عظیم اجتماعی شبیه است تا فرآوردی مثبت برای جامعه ایران. در ثانی جمهوری اسلامی همواره تلاش نموده است با نشان دادن پروژه هسته ایش به آمریکا و اسرائیل بفهماند که نباید در صدد سرنگونی حکومت اسلامی باشند، دولتهای غربی و بویژه آمریکا اعتمادی به جمهوری اسلامی ندارند و با اعمال تحریمهای اقتصادی خواهان تمکین جمهوری اسلامی به چهارچوبهای مد نظر جهان سرمایه داری و دست برداشتن جمهوری اسلامی از تبدیل کردن انرژی هسته ای به بمب اتمی هستند.

در نتیجه بن بست در روابط بین المللی جمهوری اسلامی با غرب، می تواند نتایج مصیبت باری ببار آورد از جمله هیئت حاکمه آمریکا را به دفاع ضمنی و مستقیم از حمله اسرائیل به تاسیسات اتمی ایران تشویق کند. اما این واقعیت نیز وجود دارد که فشار تحریمهای اقتصادی نه تنها باعث نشده است رژیم دست از گسترش پروژه اتمی خود بردارد، بلکه هرچه بیشتر بسوی قدرت اتمی شدن نیز گام بردارد. این بدین معنی است که اهمیت بقای رژیم برای رهبر و نظام از اهمیت تحمل تحریمها توسط مردم بسیار بیشتر است. حتی اگر جامعه بی دفاع ایران از گرسنگی به هلاکت برسد، موضوع اصلی و محوری رژیم در رابطه

اتمی نشود.

جمهوری اسلامی اتمی

بن بست فرجام، حکومت نظامی در جامعه ...

با سازش با غرب نه موضوع تحریمها و یا وضعیت معیشت مردم که اساسا موضوع حفظ نظام جمهوری است. روشن است تحریمهای اقتصادی ناشی از پیشبرد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی کمر مردم را در کنار دزدیهای میلیاردی خانواده خامنه‌ای، مافیای سپاه و لشکر مفتخوران آیت الله‌ها شکسته است، ۵۰ میلیون انسان در ایران زیر خط فقر زندگی میکنند. دارو، دوا و مواد اولیه یافت نمی‌شوند. خانواده‌ها، جوانان و حتی کودکان جامعه از فرط گرسنگی، فقر، فقدان حداقل سطح معیشت، بی‌آبی در زندگی دسته جمعی دست به خودکشی میزنند، کارگران با دستمزد شش برابر زیر خط فقر مجبور به تحمل فشارهای غیر قابل‌باور اقتصادی دست و پا میزنند. پاندمی کرونا فشار مضاعفی است بر وضعیت اسفبار جامعه که مرگ تدریجی شهروندان برای حکومت ابداً مهم نیست. جمهوری اسلامی، حفظ خود را در دستیابی به بمب اتمی یا تجهیز موشکهای بالستیک به کلاهک اتمی می‌بیند و حاضر است برای دستیابی به آن همه مردم ایران را نیز قربانی کند. همان‌طور که احمدی‌نژاد در ابتدای ریاست جمهوری خود به روحانی پیشنهاد کرده بود که کل بودجه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از جیب طبقه کارگر بدهند تا آژانس انرژی اتمی مطابق میل جمهوری اسلامی رفتار کند و موی دماغ آنان در دستیابی به تسلیحات

در خاتمه، از نظر من، با پایان ریاست جمهوری ترامپ، دولتهای اسرائیل، عربستان سعودی و در واقع کل منطقه امیدشان را از ممانعت در دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی از طریق تحریمهای اقتصادی و متد "نرم" از دست داده‌اند. و این به آن معنی است که با شکست سیاست تحریمهای اقتصادی و پایان برجام و مذاکره، امکان حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های موثر حکومت بخصوص افراد کلیدی در پیشبرد پروژه اتمی، بیش از پیش ممکن می‌شود. با تشدید این فضا از نظر داخلی جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد با نظامی کردن بیشتر چهره حکومت، بر جامعه کنترل خود را نگاهدارد و با سرعت بیشتری برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای تلاش کند. جمهوری اسلامی برای حفظ خود و نظامی کردن جامعه، اقدامات امنیتی گسترده تری در دستور خواهد گذاشت و در این میان سعی خواهد که فضای اجتماعی را (که کاملاً بر علیه حکومت برافروخته است) را بسته تا شاید نظام را از دو خطر "انقلاب اجتماعی" در داخل و "تهاجم خارجی" با بدست آوردن جنگ افزار اتمی محفوظ نگاهدارد. کره شمالی شاید الگوی امروز خامنه‌ای باشد. جامعه‌ای نظامی، با قدرت سرکوب بالا و مجهز به بمب اتم! جامعه ایران اما جامعه بسیار سیاسی، چپ و ضد اختناق و سرکوب است. طبقه کارگر ایران در صحنه است و میلیونها آزادیخواه در کمین جمهوری اسلامی نشسته‌اند. روشن است جمهوری اسلامی بسادگی نخواهد توانست جامعه ایران را مغلوب و بدین ترتیب تبدیل به جامعه‌ای شبیه کره شمالی کند.

۳ دسامبر ۲۰۲۰

بار آوری کار و بیکاری

بهبود تکنیک و افزایش بار آوری و قدرت مولده کار، به معنی جایگزینی هرچه بیشتر نیروی کار زنده با دستگاهها و ماشین آلات و سیستم های اتوماتیک است. در یک جامعه انسانی و آزاد این قاعدتها به معنای فراهم شدن فرصت بیشتر برای فراغت و لذت بردن از زندگی برای همه است. اما در جامعه سرمایه داری، که نیروی کار و وسائل کار صرفاً کالاهایی هستند که سرمایه با هدف کسب سود در اختیار گرفته است، جایگزینی ماشین بجای انسان بصورت بیکاری و بیکارسازی دائمی بخشی از طبقه کارگر، و محروم شدنش از امکان تامین معاش، نمودار میشود. پیدایش یک ارتش ذخیره از کارگران بیکار، که حتی امکان فروش نیروی کار خویش را ندارند، یک نتیجه جبری روند انباشت سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. وجود ارتش ذخیره‌ای از بیکاران، که اساساً به هزینه خود بخش شاغل طبقه زنده نگاهداشته میشود، رقابت در صفوف طبقه کارگر را تشدید میکند و سطح دستمزد را در حداقل ممکن پائین نگاه میدارد. این ارتش ذخیره همچنین امکان میدهد سرمایه با سهولت نیروی کار مورد استفاده خود را به تناسب نیازهای بازار کاهش یا افزایش بدهد. بیکاری، یک عارضه جانبی بازار و یا نتیجه سیاست غلط این یا آن دولت نیست، بلکه جزء ذاتی کارکرد سرمایه داری و جریان انباشت سرمایه است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب

ترور محسن فخری زاده و واکنشها

سعید یگانه

ترور محسن فخری زاده آنهم درست بعد از انتخابات آمریکا و پیروزی بایدن و نگرانی اسرائیل و کشورهای رقیب جمهوری اسلامی در منطقه در باره از سرگیری مذاکره با آمریکا برسر توافق برجام، حواشی متفاوتی داشته و گمانه زنی بیشتر این است که دولت اسرائیل پشت ماجرای این ترور قرار دارد تا بدین وسیله شرایط سختی را به بازگشت آمریکا برسر مذاکره با جمهوری اسلامی تحمیل و یا غیر ممکن کند. صرف نظر از تفاوتها، هر دو رژیم ارتجاعی و سرکوبگر اسرائیل و جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف ارتجاعی خود در منطقه، به تنش و ترور و ناامن کردن منطقه نیاز دارند و نقش هر دو در این ماجرا محتمل به نظر می رسد.

مسئول ترور پاسدار فخری زاده هر کسی باشد، ذره ای از این حقیقت کم نمی کند که دولت جمهوری اسلامی به عنوان دولتی تروریست، قاتل و جنایت پیشه، بلافاصله پایش در این ماجرا به میان می آید و انگشت اتهام به طرف او نیز نشانه می رود. مضافا اینکه جمهور اسلامی نه تنها ترور، که هر نوع اعتراض و نارضایتی مردم را در داخل به نقش اسرائیل و عوامل خارجی نسبت می دهد تا به این بهانه به سرکوب مردم بپردازد. به هر حال دنیا بدون وجود این آدمهای مخرب، دنیای قابل تحملتری خواهد بود. حتی اگر این ترور نه کار خود جمهوری اسلامی، که نتیجه تنشها و رقابت ارتجاعی بین دولتهای جمهوری اسلامی و اسرائیل و آمریکا و سایر کشورها باشد، کوچکترین ربط و نفعی به حال و روز واقعی مردم ندارد بلکه باید ضرر و زیان آنرا تحمل کنند.

ترور فخری زاده نیز واکنشهای متفاوتی را ایجاد کرده است. مواضع جانبدارانه توده ای و اکثریتی ها از رژیم اسلامی و محکوم کردن ترور فخری زاده یکی از واکنشها به این ترور بوده و انتظاری بیشتر از اینها نباید داشت. اعلام عزاداری و واکنش طیفی از بااصلاح سینماگران به این واقعه و ماله کشی جنایات جمهوری اسلامی واقعا شرم آور و نفرت انگیز است. "دل نوشته این سینماگران" خطاب به پاسدار فخری زاده، افسوس خوردن و عزا گرفتن برای یکی از مهره های اتمی رژیم جنایتکار اسلامی، عمق رذالت و مزدوری آنان را به نمایش گذاشت. آنها در این دل نوشته خطاب به فخری زاده گفته اند: "به پاس یک عمر تلاش علمی برای اقتدار کشور عزیزمان ایران به تو افتخار می کنیم!" و با این رفتار مشمنز کننده مردم را به "مجلس عزاداری خامنه ای و سران رژیم جنایتکار اسلامی دعوت می کنند".

این جنابان که امروز از کشتن پاسدار فخری زاده منقلب شدند و به عزا نشسته اند، هیچ جا نشانی از اعتراض آنان به جنایاتی که جمهوری اسلامی در طول سالهای گذشته در حق مردم ایران انجام داده و روزانه شاهد آن بوده اند، دیده نشده است. اشاره این طفیلی ها به "دانشمند" بودن و "دستاوردهای علمی" فخری زاده، رد گم کردن علایق همیشگی

و تعلق آنان به رژیم است که در پناه آن به زندگی انگلی دست یافته اند. آشوبتس هیترلی از این دانشمندان کم نداشته است که در خدمت دستگاه جنایت هیترلی خون میلیونها انسان را در شیشه کردند. باید به این جنابان گفت انیشتین هم دانشمند بود!

این سیلبریتی های "وطنی" و تا مغز استخوان ناسیونالیست و خود فروش که کوچکترین خاصیتی برای این مردم ندارند، با این مواضع ارتجاعی و جانبدارانه از جمهوری اسلامی تنها نفرت و انزجار جامعه را نسبت به خود دامن می زنند. کسی پشت سر این آقایان تفنگ نگذاشت و تهدید نکرد که مجبور باشند چاپلوسی کنند و از این همه جنایت که رژیم اسلامی مرتکب شده چشم ببوشند.

ترور فخری زاده و کشتن قاسم سلیمانی ها نتیجه تنش و رقابت کشورهای مرجع منطقه و جهان است که جمهوری اسلامی بکپای اصلی این تنش و رقابتها و اوضاع سیاهی است که به مردم ایران و خاورمیانه تحمیل شده است. در این ماجرا کسی ترور شده است که تنها به رژیم و مزدورانش مربوط است و ربطی به منفعت مردمی که زندگی شان توسط این رژیم پایمال شده است ندارد. "عظمت و اقتدار جمهوری اسلامی" و قهرمانان "ملی و وطنی" آن همچون "قاسم سلیمانی و فخری زاده" که مایه افتخار طیفی از سینماگران، نویسندگان و ناسیونالیستهای ایرانی است، مایه ننگ بشریت و مردم آزادیخواه ایران است. با رفتن جمهوری اسلامی عمر این هنر درباری و بزک کن چهره جنایتکارانه جمهوری اسلامی نیز به پایان می رسد. مردم امروز از آنها عکس خواهند گرفت و فردا باید جوابگوی اعمال خود باشند. بیش از چهار دهه است که جمهوری اسلامی با ترور و قتل و جنایت و وحشت به بقای خود ادامه داده است و خون مردم کارگر و زحمتکش را در شیشه کرده است. با رفتن جمهوری اسلامی نه تنها مردم آزادیخواه ایران که مردم کشورهای منطقه نیز نفس راحتی خواهند کشید.

۳ دسامبر ۲۰۲۰

"مادام که در نظامی هویت انسانی اولیه توده کارگر و زحمتکش قانونا زیر سوال است، که در آفریقای جنوبی، ایران اسلامی، عربستان سعودی و اسرائیل و کلیه رژیمهای قومی، نژادی و مذهبی؛ آشکارا چنین است، امر سوسیالیسم به امر اعاده شخصیت و حرمت حقوقی و مدنی انسانها گره میخورد!"

منصور حکمت





مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!



جهان بدون فراخوان
سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم،
بدون «خطر»
سوسیالیسم،
به چه منجلا بی تبدیل
میشود!

منصور حکمت

کمونیست را بخوانید و به
دوستانان معرفی کنید!

کارگران در اعتراضات به مجمع عمومی متکی شوید!



منصور حکمت

را بخوانید

و به دیگران

معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفٹی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردہا، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

هفتگی
کمونیسٹ

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!